



 روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران صاحب امتیاز و مدیر مسوول: مهدی رحمانیان نشانی: میدان آرزاتین، خیابان زاگرس، پلاک ۹، ساختمان شرق، طبقه همکف تلفن: ۸۸۶۵۸۵۷۵ توزیع: شرکت ناوآران جهان رسانه ایرسا – تلفن: ۸۸۸۲۳۲۹۰ امور فنی، آتلیه و لیتوگرافی: روزنامه شرق چاپ گلریز: جاده قدیم کرج، فتح ۱۷، پلاک ۲۹ تلفن ۶۶۸۲۳۳۴۶
--

 روزنامه
سال پنجم■ شماره پیاپی ۹۹۲■ شماره ۶۸ دوره جدید ■ یکشنبه ۳۰ خرداد ۱۳۸۹۷ رجب ۱۴۳۱ه‍.ق۲۰ ژوئن ۲۰۱۰

 کیانیان وعکس‌هایش در نمایشگاه «لایه‌های طبیعت» رضا کیانیان -بازیگر سینما و تئاتر ایران – این روزها در سالروز تولد ۵۹ سالگی‌اش با ارائه سه عکس در نمایشگاه «لایه‌های طبیعت» حضور دارد. این بازیگر تئاتر، سینما و تلویزیون که در رشته‌های هنری دیگری همچون مجسمه‌سازی و عکاسی هم فعالیت می‌کند،امروز ۲۹ خردادماه با ارائه سه عکس در نمایشگاه لایه‌های طبیعت حضور دارد. این نمایشگاه که روز گذشته گشایش یافت، دربردارنده آثار نقاشی و عکاسی است که به صورت گروهی برگزار می‌شود. رضا کیانیان طی هفته‌های آینده با آغاز فیلمبرداری «یک حبه قند» جلوی دوربین رضا میرکریمی می‌رود و در این اثر سینمایی با بازیگرانی چون هدایت هاشمی، نگار عابدی، نگار جوهریان و… همبازی است.	 تهران : اذان ظهر۱۲:۰۶اذان مغرب ۲۰:۴۴اذان صبح فردا ۴:۰۲ طلوع آفتاب ۵:۴۹
--	--

 اما خر نمی‌شوم	 سیدعلی میرفتاح mirfattah@yahoo.com
---	--

اکثرأ بدشان نمی‌آید که نویسنده‌های مورد علاقه‌شان را از نزدیک ببینند، اگرچه اغلب پس از دیدن پشیمان می‌شوند که چرا تصویر ذهنی‌شان را خراب کردند و نویسنده محبوب‌شان را از چشم خود انداختند. بدی ماجرا اینجاست که دیگر رفتنی به خواندن نوشته‌های نویسنده‌های که از نزدیکش دیده‌اند و پی به ضعف‌های نفسانی‌اش برده‌اند، ندارند. با این همه خواهشی در دل عوام است که نه فقط نویسنده‌ها، بلکه سیاستمداران و ستاره‌های ورزشی و هنرپیشه‌های سینما را و حتی مجری‌های تلویزیون را از نزدیک ببینند و نفس به نفس، هم‌صحبت‌شان شوند. من هم از این خواش‌ها درون پیرهنم کم ندارم و آرزوی دیدن و زانو به زانو نشستن با خیل‌ها را داشتم و دارم، اما چه کنم که دستم تا کوتاه و خرما به نخیل. آنها را که دوست دارم یا دور از دسترس‌اند، یا ساکن جهان آخرت‌اند یا چنان دورند که به هیچ طریقی دست خواش من به آنها نمی‌رسد، به قول شاعر «باخت‌باری ماست، شاید / که آنچه می‌خواهیم یا به دست نمی‌آید / یا از دست می‌گریزد». با این همه اما هر چقدر هم که دست من کوتاه باشد، پای خیال من بلند است و اگر اینجا شرایط دیدار مهیا نشد، خیال من برای خوش روزنی به گور قلندران می‌گشاید تا در روشنایی و فراخی قبر رفیقان، با نویسنده محبوبم زوزه ساراماگو ملاقات کنم. خدا را شکر که این بار در عالم، خیال نیازی به دیلماج و اینترپرت نداشتیم. هم مارح‌های نویسنده کوری را فهمیدیم، هم او متوجه عرایض ما شد.

کیورچالی: کاش یک قصه می‌نوشتی راجع به کری. اینقدری که مسردم خود را به کری می‌زند، به کوری نمی‌زند.

مویدی: کاش خود را به کری می‌زدند. این‌طور که خبرش به من رسید، بعضی‌ها خود را به خری می‌زدند، یک جوری رفتار می‌کنند که انگار خر خرنند، اما با همین رفتار چنان کلاهی از سرت برمی‌دارند که بفهمی خر واقعی کیست.

روشن‌ضمیر: قبلاً طبراً شعر می‌گفت که من کر می‌شوم، لال می‌شوم، کور می‌شوم، هزارتا چیز دیگر هم می‌شوم، اما خر نمی‌شوم. اما حالا می‌گوید اصلاً من خر، این هم گوش خملمی‌ام، این هم دندان‌های قشنگم، این هم چشمان زیبایم.

امیرشاهی: این‌حق هم که خر عجب چشمان زیبایی دارد. علی‌الخصوص کر‌خر. بیخود اسم آهو به چشم شهلا در رفته. چشم می‌خواهی چشم خر.

روشن‌ضمیر: فقط چشم نیست، انصافاً خرآب هم قشنگ می‌خورند. نه هور می‌کشند، نه شلپ شلپ می‌کنند. اصلاً آقای ساراماگو ما توی فارسی یک ضرب‌المثل داریم که راه رفتن را از گاو یاد بگیر، آب خوردن را از خر.

کیورچالی: این همه ما ضرب‌المثل حکمت‌آمیز داریم، آن وقت چشمتان که به یک غریبه می‌افتد، هر چه خر و گاو را وسط می‌کشید؟

میرفتاح: آقای ساراماگو، آیا شما توی کوری، یک بیان سمبلیک داشتید؟

کیورچالی: این هم شد سوال؟ این را که هر کسی می‌فهمد که قصه سمبلیک است. برای همین بیان سمبلیک است که من می‌گویم چرا به جای کوری، کری نوشه؟

مویدی: مثل همان کرگدن اوژن یونسکو.

میرفتاح: آقای ساراماگو، من هم از روی همان نمایش کرگدن، اسم خودم را کرگدن گذاشتم.

روشن‌ضمیر: با توجه به مقدمه بحث می‌گذاشتی کرگدن، مناسب‌تر بود.

مویدی: باز چشمتون به یک غریبه افتاد شروع کردید به ضایع کردن همدیگر؟

امیرشاهی: غریبه کجا بود؟ ساراماگو که از خودمان است. حالا جناب ساراماگو، فضولی نباشد، از باب مقایسه با حق‌التالیف ایران می‌پرسم، شما از بابت کوری چقدری گیزتان آمد؟

کیورچالی: توی ایران که حق‌التالیف مثل مهریه است، کی داده، کی گرفته.

مویدی: کلام هم پول بی‌برکتی است که یا پای عسل ششور می‌رود، یا فرشته کور. فکر کنم این دو فرشته که مردم از ایستادن، منظر آقای ساراماگو هستند. یک وقت از رویه دیدید یک فوتبالیست شرح می‌دهد.

میرفتاح: من می‌گویم شماره شما را بگیرم، بعد باهاتان قرار مصاحبه بگذارم؟

روشن‌ضمیر: فعلاً به جای تک‌خوری، بیدار شو برو در را باز کن که هر کی هست معلوم است که عجله دارد.

 سکانس آخر سفر بشر دوستانه آتجلینا جولی به اکوادور	 آتجلینا جولی بازیگر هالیوود در ادامه سفرهای انسان‌دوستانه خود، به اکوادور سفر کرد. به گزارش آسوشیتدپرس، جولی این بار به یک روستای اکوادور در مرز ایسن کشور با کلمبیا سفر کرد تا با زنان و کودکان بی‌خانمان منطقه دیدار کند. جولی که سمت سفیر حسن‌نیت سازمان ملل را دارد، هشت سال پیش نیز به این منطقه که اردوگاه آوارگان کلمبیایی در آن قرار دارد سفر کرده بود.
--	---

 اتفاق نظرها جعفر مدرس صادقی	 واما بید
--	---

دوست گرمای و نازنینی که معلومات این ستون را دنبال می‌کند دوباره یک تذکر دیگر داد به این جانب و گله کرد که چرا دارم از اختلاف نظرها حصر می‌زنم: «هفته‌ی گذشته از اختلاف نظر صاحب‌نظران معاصر بر سر پیوسته نوشتن یا جدا نوشتن حرف اضافه‌ی «به» حرف زدی و این‌ هفته هم لابد می‌خواهی از اختلاف نظر بر سر کسره‌ی اضافه‌ی بعد از «ه» غیرملفوظ حرف بزنی که آیا باید با «ی» نشان داد یا با همزه و هفته‌ی بعد هم بروی به سراغ الف مقصوره که آیا باید این «ی» را که الف می‌خوانیم با همان املای عربی بنویسیم یا با الف… و بعد از آن هم نوبت می‌رسد به جدانویسی و سرهم‌نویسی… اختلاف نظرها بسیاریند و مسائل فراوانی هست که بحثهای زیادی بر سر آنها در گرفته است. اما چرا از اتفاق نظرها حرف نمی‌زنی و از اصولی که همه یا دست‌کم اغلب قریب به اتفاق صاحب‌نظران بر سر آن توافق دارند؟»

راستش، این دوست گرمای با این تذک‌های بجایی که می‌دهد تبدیل شده است به وجدان بیدار این جانب و اجازه نمی‌دهد که از اصل ماجرا دور بویتم و زیادی پرت و پلا بروم. اما اگر یادتان باشد، در معلومات سه هفته‌ی پیش، از «متوسل شدن» به اصولی که صاحب‌نظران معاصر بر سر آن توافق دارند حرف زده بودم و این بحث را موقوف کرده بودم به بعد از شرح ویژگی‌هایی که از شیوه‌ی خط قرن پنجم هجری به دست می‌دهم. ویژگی‌های این شیوه‌ی خط کهن را به دست دادیم و به اختلاف نظرها هم اشارتی کردیم، اما به قول این دوست گرمای، اختلاف نظرها بسیاریند و اگر بخواهیم از بحث و جدل‌های که بر سر شیوه‌ی خط وجود دارد حرف بزنیم، این رشته سر دراز دارد و راه به جایی نمی‌بریم. پس چه خوب است که از اتفاق نظرها شروع کنیم و ببینیم که آیا با تکیه به موارد توافق صاحب‌نظران معاصر و راه و رسمی که از کاتبان دانشمند قرن پنجم هجری آموخته‌ایم، می‌توان به پیشنهاداتی رسید که حرف چندان‌ی توش نباشد یا نه.

نمی‌گویم هیچ حرف‌ی توش نباشد. چون که ممکن نیست. و آخر سر معلوم است که با وجود همه‌ی ملاحظات و با همه‌ی احتیاطی که به خرج خواهیم داد، اما و اگر‌ها و چون و چرا زیاد خواهد بود.

مجله‌ی «سخن» بعد از آن اقتراح‌سی که درباره‌ی حرف اضافه‌ی «به» به راه انداخت (که هفته‌ی پیش به آن پرداختیم)، سؤال‌های دیگری درباره‌ی شیوه‌ی خط مطرح کرد که در شماره‌های خرداد، مرداد، شهریور و مهر ۱۳۳۸ آن مجله به چاپ رسید. اولین سؤال: «یا اتخاذ روش واحدی در نوشتن کلمات فارسی ضرورت دارد یا هر کس بر حسب ذوق و سلیقه‌ی خود می‌تواند در این باب شیوه‌ای پیش بگیرد؟» و سؤال دیگر: «یا شیوه‌ای که برای نوشتن نوع واحدی از کلمات پیش می‌گیریم باید در همه موارد یکسان باشد یا آنکه یک کلمه یا یک نوع از کلمات را در موردهای مختلف به شیوه‌های گوناگون باید نوشت؟»

همه‌ی سؤال‌های دیگر کاری نداریم، اما دو سؤال‌ی که همه‌ی صاحب‌نظران به آنها جواب مثبت دادند و بر سر آنها توافق داشتند همین دو سؤال بود. همگی معتقد بودند که باید شیوه‌ی واحدی برای نوشتن پیش گرفت و همگی معتقد بودند که این شیوه باید در همه‌ی موارد یکسان باشد. یکی لزوم التزام به قواعد خاص و دیگری «یکدستی»! همان اصلی که مرحوم احمد بهمنیار در خطابه‌ی ورودی‌اش به فرهنگستان از آن به اسم «طارد قاعده» یاد می‌کند «طارد» به کسری الف و به تشدید ی (ط)، شاید این اصل در زمانی که مرحوم احمد بهمنیار بحثش را به میان کشید تاژی داشت، اما امروز هیچ –چون و چرایی در این باره وجود ندارد. و به این ترتیب می‌رسیم به اصل دیگری که مورد توافق همگان است:

اصل «یکدستی»!

هفته‌ی گذشته اشار‌ی مختصری کردیم به اصل «فاصله» و این هفته رسیدیم به اصل «یکدستی». تا اینجا دو اصل اساسی که همه‌ی صاحب‌نظران معاصر بر سر آن توافق دارند! و اما توضیحات بیشتر در مورد این دو اصل بماند برای هفته‌ی بعد.

روزنامه‌های ایران

روزنامه‌های ایران

روزنامه‌های ایران

روزنامه‌های ایران

روزنامه‌های ایران

روزنامه‌های ایران

روزنامه‌های ایران

روزنامه‌های ایران

روزنامه‌های ایران

روزنامه‌های ایران

روزنامه‌های ایران

روزنامه‌های ایران

روزنامه‌های ایران

روزنامه‌های ایران

روزنامه‌های ایران

روزنامه‌های ایران

روزنامه‌های ایران

روزنامه‌های ایران

روزنامه‌های ایران

روزنامه‌های ایران

روزنامه‌های ایران

روزنامه‌های ایران

روزنامه‌های ایران

روزنامه‌های ایران

روزنامه‌های ایران

روزنامه‌های ایران

روزنامه‌های ایران

روزنامه‌های ایران

روزنامه‌های ایران

روزنامه‌های ایران

روزنامه‌های ایران

روزنامه‌های ایران

روزنامه‌های ایران

روزنامه‌های ایران

روزنامه‌های ایران

روزنامه‌های ایران

روزنامه‌های ایران

روزنامه‌های ایران

روزنامه‌های ایران

روزنامه‌های ایران

روزنامه‌های ایران

روزنامه‌های ایران

روزنامه‌های ایران

روزنامه‌های ایران

روزنامه‌های ایران

روزنامه‌های ایران

روزنامه‌های ایران

روزنامه‌های ایران

روزنامه‌های ایران

روزنامه‌های ایران

روزنامه‌های ایران

روزنامه‌های ایران

روزنامه‌های ایران

روزنامه‌های ایران

روزنامه‌های ایران

روزنامه‌های ایران

روزنامه‌های ایران

روزنامه‌های ایران

روزنامه‌های ایران

روزنامه‌های ایران

روزنامه‌های ایران

روزنامه‌های ایران

روزنامه‌های ایران

روزنامه‌های ایران

روزنامه‌های ایران

روزنامه‌های ایران

روزنامه‌های ایران

روزنامه‌های ایران

روزنامه‌های ایران

روزنامه‌های ایران

روزنامه‌های ایران

روزنامه‌های ایران

روزنامه‌های ایران

روزنامه‌های ایران

روزنامه‌های ایران

روزنامه‌های ایران

روزنامه‌های ایران

روزنامه‌های ایران

روزنامه‌های ایران

روزنامه‌های ایران

روزنامه‌های ایران

روزنامه‌های ایران

روزنامه‌های ایران

روزنامه‌های ایران

روزنامه‌های ایران

روزنامه‌های ایران

روزنامه‌های ایران

روزنامه‌های ایران

روزنامه‌های ایران

روزنامه‌های ایران

روزنامه‌های ایران

روزنامه‌های ایران

روزنامه‌های ایران

روزنامه‌های ایران

روزنامه‌های ایران

روزنامه‌های ایران

روزنامه‌های ایران

روزنامه‌های ایران

در گذر زمان: سالروز تولد عزت‌الله انتظامی

روزنامه‌های ایران

روزنامه‌های ایران

روزنامه‌های ایران

روزنامه‌های ایران

روزنامه‌های ایران

روزنامه‌های ایران

روزنامه‌های ایران

روزنامه‌های ایران

روزنامه‌های ایران

روزنامه‌های ایران

روزنامه‌های ایران

روزنامه‌های ایران

روزنامه‌های ایران

روزنامه‌های ایران

روزنامه‌های ایران

روزنامه‌های ایران

روزنامه‌های ایران

روزنامه‌های ایران

روزنامه‌های ایران

روزنامه‌های ایران

روزنامه‌های ایران

روزنامه‌های ایران

روزنامه‌های ایران

روزنامه‌های ایران

روزنامه‌های ایران

روزنامه‌های ایران

روزنامه‌های ایران

روزنامه‌های ایران

روزنامه‌های ایران

روزنامه‌های ایران

روزنامه‌های ایران

روزنامه‌های ایران

روزنامه‌های ایران

روزنامه‌های ایران

روزنامه‌های ایران

روزنامه‌های ایران

روزنامه‌های ایران

روزنامه‌های ایران

روزنامه‌های ایران

روزنامه‌های ایران

روزنامه‌های ایران

روزنامه‌های ایران

روزنامه‌های ایران

روزنامه‌های ایران

روزنامه‌های ایران

روزنامه‌های ایران

روزنامه‌های ایران

روزنامه‌های ایران

روزنامه‌های ایران

روزنامه‌های ایران

روزنامه‌های ایران

روزنامه‌های ایران

روزنامه‌های ایران

روزنامه‌های ایران

روزنامه‌های ایران

روزنامه‌های ایران

روزنامه‌های ایران

روزنامه‌های ایران

روزنامه‌های ایران

روزنامه‌های ایران

روزنامه‌های ایران

روزنامه‌های ایران

روزنامه‌های ایران

روزنامه‌های ایران

روزنامه‌های ایران

روزنامه‌های ایران

روزنامه‌های ایران

روزنامه‌های ایران

روزنامه‌های ایران

روزنامه‌های ایران

روزنامه‌های ایران

روزنامه‌های ایران

روزنامه‌های ایران

روزنامه‌های ایران

روزنامه‌های ایران

روزنامه‌های ایران

روزنامه‌های ایران

روزنامه‌های ایران

روزنامه‌های ایران

روزنامه‌های ایران

روزنامه‌های ایران

روزنامه‌های ایران

روزنامه‌های ایران